



سردبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@gmail.com
دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
سه شنبه ها منتشر می شود!
۱۰ شهریور ۱۳۸۴

مرحبا آقای رئیس جمهور!



انجام دهد یا نه؟ مهمترین زمین بازی اقتصاد است. بیکاری، تورم بیش از حد، حقوق پایین کارگران و کارمندان، وجود قشر عظیم بازنشستگان، عدم وجود تامین اجتماعی مکفی، پرداخت نکردن چندین ماهه حقوق و معوقه ها توسط دولت و شرکت های

و با پیف پیف کردن احمدی نژاد و به رخ کشیدن خاتمی قصد نوستالژیک کردن رمان "سید خندان" را دارند. اما اینجای داستان را خوانده اند که حتی این اشک ها و دلفک بازیها آبرویی برایشان نمی خرد. چیزی که در حال تغییر است شیوه برخورد جمهوری اسلامی به اعتراضات و جنبش های طبقاتی، صنفی و بخشهای تحت ستم نظیر زنان و راه کنترل و خارج شدن از وضعیت فعلی است. جنبشهای کارگری، اعتراضات جوانان و زنان چاره ای جز عوض کردن تاکتیک برای جمهوری اسلامی باقی

کارن دیبا، تهران
دولت احمدی نژاد کار خود را در تقویم جمهوری اسلامی شروع کرد و برگ دیگری در سیاست ایران در حال ورق خوردن است. این تغییر نه ناشی از عوض شدن وضع اقتصادی است و نه آنطور که ابراهیم نبوی ادعا می کند ناشی از رفتن خاتمی است. اصلاح طلبان آبروی از دست رفته خود را یک کاسه کرده اند و اشک تمساح برای رفتن خاتمی می ریزند و از این طریق می خواهند آبرویی برای خود بخرند. ژست های لیبرالی می گیرند



رهبری فعلی کومله) اما این فراخوان جواب داد. در این اعتصاب عمومی خواسته هایی که مطرح شد همان خواسته هایی بود که مردم در خلال اعتراضات و تظاهرات چند روز پیش از اعتصاب مطرح کرده بودند. از جمله: مجازات عاملین قتلهای شهرهای کردستان، آزادی فوری دستگیرشدگان و خروج نیروهای نظامی رژیم از شهرهای کردستان و محل زیست مردم.

از اعتصاب مردم شهرهای کردستان تا دیدار رهبران کمونیست با مردم!

(یک جمع بندی کوتاه از رویدادهای اخیر در کردستان)

کشیده نشده است. اگر جنبه مسلحانه آن دچار محدودیت شد، اما جنبه توده ای آن، جنبه کارگری آن و جشن های اول ماه مه در دهه ۶۰ جلوه هایی از مقاومت عمومی بوده است که طبقه کارگر و مردم تحت ستم در کردستان در مقابل جمهوری اسلامی داشتند. در جریان تظاهرات و اعتراضات یک ماهه اخیر، مسئله این بود که با سر کار آمدن احمدی نژاد مردم کردستان احساس کردند که باید در مقابل این رژیم بیشتر مقاومت کرد، بطوریکه مردم کردستان مخالفت کلی خود را با مضحکه انتخابات رژیم اعلام کردند. و این وضعیت و آرایش سیاسی با سر کار آمدن احمدی نژاد تنش را در کردستان بیشتر کرد به خاطر اینکه تا آنجایی که به جنبش ناسیونالیستی هم بر می خورد آنها نیز از سازش با جمهوری اسلامی نا امید شده اند. در حالیکه در دوره خاتمی چراغ سبز سازش برای آنها وجود داشت. در نتیجه تظاهراتی که در مهباد در اعتراض به قتل یک جوان صورت گرفت، شکل توده ای به خود گرفت

مصاحبه با فاتح شیخ، رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست
فواد عبداللهی: چه اتفاقی در شهرهای کردستان افتاد که منجر به اعتصاب عمومی شد؟
فاتح شیخ: کردستان تاریخا با جمهوری اسلامی سر ستیز و مخالفت رادیکالی را داشته است. به این دلیل که از انقلاب ۵۷ به بعد یک جنبش دفاع از دستاوردهای انقلاب به رهبری چپ آنموقع در جامعه و در مقابل جنبش ناسیونالیسم کرد که موجودیت خود را سوار شدن بر مسئله ملی تعریف کرده بود، شکل گرفت. مقاومت چند ساله در کردستان به خاطر لشکرکشی رژیم جمهوری اسلامی شکل توده ای و مسلحانه به خود گرفت. سرکوب انقلاب و آغاز جنگ ایران و عراق، جنبش مسلحانه در کردستان را به محدودیت راند، اما مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی ادامه پیدا کرد و اشکال مختلفی را اینبار به خود گرفت. به طوریکه هیچگاه جنگ مردم کردستان با رژیم به آتشبس

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

مبارزات فرهنگیان و نقش معلمان کمونیست!
فرامرز حسین زاده ص ۲
افسانه گنجی تمام شد!
جمهوری اسلامی باید از گنجی تشکر کند!
عباس رضائی ص ۴

تماس با ما
دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۳۶۱۳
سردبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲
معاون دبیر: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲
معاون دبیر: جمال کمانگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!



از سطح تولید بین المللی وابسته است. حرفهای توخالی نظیر سرکوب اقتصاد آفازاده ای، کنترل رانت خواری، اقتصاد مبتنی بر صادرات و کنترل بازار و ... حتی در بعضی موارد برای خودشان خنده دار است. چطور دولتی که در پی اعتصاب کارگران کارخانه های نه زنجیره ای یک آفازاده، کارگران را به گلوله می بندند می خواهند خودشان را از وجود آفازاده ها پاک نگه دارند. این حرف کاملا پوچ و بی اساس است چون خود این کارتل های اقتصادی سرشان به درون دولت جمهوری اسلامی برمیگردد و جمهوری اسلامی خود از آنها ارتزاق می کند و پول دخالت نظامی در فلسطین و عراق، کمک به حزب الله لبنان، خرج اراجیف بافی رسانه ای، سپاه و کله های بسیج و لباس شخصی شان را از همین جاها در می آورند. این حرف کلا با اساس جمهوری اسلامی تناقض دارد و بیشتر برای دولت احمدی نژاد جنبه تبلیغی دارد. دولت احمدی نژاد با شعار رفع تبعیض (به مثابه برابری) و فقر به روی کار آمد و نشان داد این شعار چقدر در میان اکثریت جامعه برد دارد، چقدر نفوذ دارد که می تواند کاری کند که مردم پشت فاشیسم اسلامی جمع شوند و در نبود یک قطب اجتماعی و سیاسی قدرتمند و با اتوریته چپ چطور در بالای صحنه خود نمایا کند. البته هر تحلیل گر اقتصادی از این امر مطمئن است که دولت خاتمی، نه احمدی نژاد نمی توانند از شر مشکلات اقتصادی (که خیل عظیمی زیر خط فقر قرار دارند) خلاصی پیدا کنند و تا به سطح تولید و روانه کردن تکنولوژی به مراکز تولیدی و رسیدن به استانداردهای بین المللی نرسد همین وضع ادامه پیدا می کند. این کار هم باز بر اساس پایه سرمایه داری ایران قابل دستیابی نیست. مشکل عظیم دیگری که کلیت جمهوری اسلامی با آن درگیری هر روزه دارد مشکلات اجتماعی است. اعتیاد به مواد مخدر و قرص های

ایکس، رشد روز افزون تن فروشی، قاچاق کودکان و زنان، و دیگر مشکلات از شمار در رفته است که سیاست های اسلام زده و ارتجاعی به وخامت اوضاع می افزاید. این بار مشکل از پایه بر اساس نوع نگاه واپسگرایانه جمهوری اسلامی به مشکلات اجتماعی است. این مشکلات که نتیجه طبیعی سرمایه داری است در کشورهای غربی در مقایسه با ایران تا حدودی متعادل شده است اما ریشه جمهوری اسلامی نمی گذارد که به آن سو برود. در ضمن جمهوری اسلامی نمی تواند به خواست های اجتماعی و فرهنگی مردم و مخصوصا جوانان پاسخ دهد. جوان ایرانی خود را هم پای جوانانی که در کشورهای مدرن زندگی می کند می بیند و نمی گذارد کسی برایش تعیین تکلیف کند. در مثال حجاب، سیل عظیمی از برنامه های تلویزیونی و رادیویی برای سنین مختلف، جشن تلکیفهای رنگارنگ برای دختران نه ساله، کسبیل شدن لباس شخصی ها و زهرا

خانوم ها به خیابانها، به وحشت انداختن و دستگیری و بازداشت های یک روزه، و چندین ترنند دیگر نتوانست روی جوانان ایران تاثیری بگذارد. این مانتوهای تنگ، روسریهای کوچک و غیرمشکی، شلوارهای کوتاه، موهای ژل زده بلای جان مسئولان فرهنگی جمهوری اسلامی شده است. اینها نشان می دهد که در قدم بعدی جوانان کل قانون حجاب را پس می زنند. این مشکلاتی که برشمارده شد قسمت اندکی از کل مشکلات جمهوری اسلامی بود و یک بخش عمده آن هم ناراضیاتی عمومی مردم

از جمهوری اسلامی است که همین عامل اوضاع را از دست عاملان رژیم محسن اژه ای و سعیدی کیا و ... نمی تواند در مقابل سیل عظیم مشکلات دوام بیاورند و در حرکتی منجم و برنامه ریزی شده از پای در می آیند. جمهوری اسلامی راهی برای برون رفت از بن بست حاضر ندارد و کلیت آن زیر سوال و تعرض مردمی است. با مبارزه هماهنگ باید به جنگ جمهوری اسلامی رفت و آنرا از پای در آورد. به سازمان جوانان حکمتیست بپیوندید!

مبارزات فرهنگیان و نقش معلمان کمونیست!

تشکلهای مستقل، بسط و گسترش این مبارزات در مقیاس سراسری و همچنین در دفاع از یک راه حل چپ و کمونیستی برای احقاق حقوق معلمان سخن گویم.

معلمان کمونیست می توانند و باید مسیر این روخانه را به سوی دریای یک دنیای بهتر منتهی کنند و مهر خود را بر قیام آتی ایران در پیشبرد این مبارزات، ایجاد

نفر را زیر چارت آموزشی خود دارند، می توانند نقشی اصلی و کلیدی را در براندازی رژیم و هدایت آن به سوی جنبش سرنگونی داشته باشند.

در دفعات بعد سعی خواهیم کرد به طور کلی در مورد نقش و جایگاه مبارزات معلمان کمونیست در جنبش سرنگونی، راهکارهای موثر در پیشبرد این مبارزات، ایجاد

انکار ناپذیر معلمان کمونیست و همزونی بخش چپ و رادیکال آن بر دیگر گرایشات موجود می تواند همیشه و در هر شرایطی، نقش تعیین کننده و سازش ناپذیری را در جهت کسب خواسته های فرهنگیان بطور اخص و در مبارزات کارگران و پرستاران و مردم به تنگ آمده از این رژیم به طور اعم داشته باشد. فرهنگیان که هم اکنون ۳۶ میلیون

باعث شده که بخش مهمی از این قشر، به شیوه های مختلف از تهدید و ارباب گرفته تا وعده و وعیدهای تو خالی، دچار پاسیفیسم و ناامیدی شده و یا به زیر پرچم طیف محافظه کار و راست دولتی هدایت شوند. از بدو شروع مبارزات و اعتراضات فرهنگیان به منظور دستیابی به خواسته ها و مطالباتشان، رژیم از یک طرف سعی در متفرق کردن آنها و جلوگیری از ایجاد تشکلهای مستقل و اتحاد و یکپارچگی آنان را داشته و از طرفی دیگر نا آگاهی بخشی از فرهنگیان مبنی بر دوری جستن از عوامل دولتی که همیشه سعی در خنثی کردن تلاشهای فرهنگیان را داشته و همچنین عدم درک مکانیزمهای موجود و موثر در پیشبرد مبارزاتشان، نیاز به بازبینی جدی دارد و این خود باعث شده که لطمات کاری را بر پیکره این مبارزات وارد آورد. در این میان نقش برجسته و



فرامرز حسین زاده

ضرورت پشتیبانی و حمایت از مبارزات فرهنگیان امری آشکار است! قشری که از بدو شکل گیری دوم خرداد تحولاتی را در خود ایجاد کرد و با برپایی تحصنات اعتراضی، سعی در ایجاد تغییرات جدی در سیستم آموزشی و پرورشی را داشت که البته این اعتراضات نیازی اساسی به یک رهبری و جلورنده ای واحد دارد که بیشتر سازماندهی و نهادینه شود. از طرفی تمایلات دست راستی و محافظه کارانه دولتی و ترس از فراگیر شدن این اعتراضات و پشتیبانی مردم از آنها



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

۱ →

این سه مطالبه مطرح بود و به عنوان خواست اعتصاب عمومی هم برجسته شد. ما هم به عنوان حزب حکمتیست بلافاصله از این اعتصاب حمایت کردیم. این حرکتی بود که ابراز قدرت اتحاد و یکپارچگی مردم کردستان در تقابل با جمهوری اسلامی را نشان داد. و به یک معنی، چند هفته مبارزه مردم را به یک نتیجه قطعی رساند.

فواد عبداللہی: بیشک هر بحران و تنشای که در جامعه به اعتراض توده های وسیع مردم منجر می گردد همراه خود موجی از باندهای سیاد قومی و فاشیستی را به جان مردم می اندازد. کردستان یک نمونه گویا است. به نظر شما آیا اعتصاب توانست آن سد اجتماعی در برابر رژیم اسلامی از یک سو و از سوی دیگر در برابر باندهای سیاه قومی و نژادی باشد؟

فاتح شیخ: بله بدین خاطر که اعتصاب عمومی در مقایسه با تظاهراتهای پراکنده شهری، حرکت یکپارچه مردم بود. و وقتی این هماهنگی در مبارزه سیاسی مردم شکل می گیرد در واقع یک ابراز وجود قدرتمندتر در برابر رژیم صورت گرفته است. در عین حال اگر شعارهای چنین حرکتی قومی نباشند بلکه در واقع خواست مردم باشد، این باز می تواند شکل قدرتمندتر و توده ای تر به خود بگیرد به این دلیل که می تواند از پشتیبانی و سمپاتی سایر مردم جامعه ایران برخوردار گردد.

ولی نیروهای قومی و دار و دسته هایی مثل "پژاک" که با پرچم کردستان و با شعارهای قومی می خواستند هدف این حرکت و جنبش را روشن کنند، با سد اعتصاب عمومی و خواسته های و شعارهای سراسری و هماهنگ روبرو شدند. اینها در واقع جریانات حاشیه ای که بعضا بخشی از باقیمانده های حزب pkk هستند که خود جمهوری اسلامی ظرف چند سال گذشته این امکان را به آنها داده است که در کردستان ایران به عنوان آلترناتیوی که در برابر احزاب سیاسی کردستان

و بخشا در مقابل چپ در این مناطق حضور داشته باشند. اینها با جمهوری اسلامی رابطه دارند به طوری که در پرونده سیاهشان کشتن آدم های مخالف جمهوری اسلامی و تحویل دادن جنازه شان به رژیم را دارند. در نتیجه اینها جریاناتی هستند که تمام تلاششان مهر و انگ زدن به مبارزات و خواسته های سراسری و بر حق مردم است. و با اینکار می خواهند بگویند که اعتراض و مبارزه مردم در کردستان با مردم سراسر ایران یکی نیست و برای سرنگونی رژیم اسلامی نیست. می خواهند بگویند که این مختص "کرد"هاست. و مردم را به تبعیض و جنگ قومی فارس و کرد بکشانند. در حالیکه این مبارزه واقعی مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی است. با این حساب بخش مهم و پیشرو جنبش سرنگونی جامعه ایران علیه جمهوری اسلامی است. این دقیقا دو تاکتیک متفاوت است. یکی، تاکتیک قومی کردن مبارزه مردم کردستان که این مبارزه را از جنبش سراسری مردم ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی جدا می کند. دیگری برعکس. وقتی پرچم آزادی فوری تمام دستگیرشدگان و خروج نیروهای سرکوبگر و نظامی از شهر بلند می شود، وقتی شعار و خواسته های سیاسی مطرح می شود بطوریکه با خواست کل مردم ایران رابطه تنگاتنگ و به هم فشرده ای دارد، سمپاتی و توجه به مراتب بیشتری از مردم را به خود جلب می کند. در واقع آن حالتی که کردستان در طول ۲۶ سال گذشته داشته که همیشه برای مردم ایران سمبل یک سنگر آزادیخواهی در مقابل جمهوری اسلامی بوده، این برجسته و تقویت می شود و باعث می شود مردم در سایر شهرهای ایران اتحاد و نوع مبارزه هماهنگ را با مردم کردستان شریک شوند و منفعت خود را در سرنگونی تمام و کمال رژیم اسلامی جستجو کنند.

اگر مسئله سر "کرد" و "فارس" باشد دلیلی ندارد که مردم تهران یا همدان یا تبریز و شیراز و به مبارزات مردم در کردستان سمپاتی داشته باشند. همچنانکه تحریکات قومی در

اهواز و یا فرض کنید تجمع در قلعه بابک وقتی مهر ناسیونالیسم آذربایجانی را بر خود دارد، نمی تواند توجه سایر انسانها را به یک مبارزه متحد و هماهنگ جلب نماید. وقتی مهر قومی به یک تحرک زده شود معنی اش اینست که احزاب ناسیونالیست می خواهند برای بند و بست خودشان با رژیم مرکزی (جمهوری اسلامی) استفاده کنند. این دارو دسته های فاشیست چیزی جز این را نمی خواهند.

اما وقتی تحرک جنبه سیاسی به خود گرفت و بعنوان بخش پیشرو جنبش سرنگونی شناخته شد، در واقع می تواند امید به تحول و سرنگونی رژیم را با سازماندهی و دست گرفتن پرچم و مطالباتی مشترک در بقیه مناطق ایران دامن بزند.

فواد عبداللہی: در خلال این رویدادها که چند هفته به طول انجامید، رهبران و فعالین کارگری از جمله برهان دیوارگر، هیوا یوسفی مدیر موسسه "چیپا" در سنندج و همچنین تعداد زیادی از مردم و جوانان شهرهای کردستان هنوز در زندان رژیم و زیر شکنجه و آزار بسر می برند. چند روز پیش جسد دو جوان زندانی زیر پل شهر سنقر پیدا شده است. این نمونه ها نشانه این است که رژیم هنوز دندان گاز گرفتن دارد.

چگونه می توان با این پدیده برخورد کرد؟
فاتح شیخ: اعتصاب عمومی مردم کردستان معنی اش این نیست که بلافاصله رژیم را در طول چند روز فلج می کند. این زندانیان وجود دارند اما در عوض مبارزه مردم چه در داخل و چه در خارج ایران برای فشار آوردن به رژیم برای آزادی این زندانیان ادامه دارد. نمی توان انتظار داشت که با یک اعتصاب عمومی می توان همه خواسته ها را متحقق کرد. این مبارزه ادامه دارد و ادامه اش تا آزادی زندانیان نیست بلکه ادامه اش در واقع تا جایی است که جمهوری اسلامی را در مقیاسی سراسری و توده ای فلج و سرنگون سازد. اتفاقات اخیر کردستان می تواند پیش درآمد سرنگونی رژیم در

شکلی سازمانیافته و هماهنگ باشد. نمی توان انتظار داشت که رژیم دندان گاز گرفتن نداشته باشد. این رژیم ۲۶ سال است کاری جز این ندارد. می توان در مراحل بعدی مبارزه و با تمرکز هرچه بیشتر در محلات و کارخانجات و دانشگاه ها با شعار خروج نیروهای نظامی و سرکوبگر رژیم از شهرها، مردم را چنان سازمان داد که با حمله مستقیم به ارکان دولت، کنترل اوضاع را از دست رژیم اسلامی درآورد. این خود بستگی به این دارد که رهبران کمونیست مردم چه راهی پیش پای مردم می گذارند و چقدر بتوانند که راه حل های قومی و ناسیونالیستی نیروهای فاشیست و قوم پرست را خنثی و افشاء کنند.

فواد عبداللہی: آیا اعتصاب میتواند تاکتیک و شیوه ای دیگر در نوع مبارزه مردم ایران در این دوران به حساب آید؟ نقطه ضعف ها و نقطه قدرت های اعتصاب عمومی شهرهای کردستان چه بود؟
فاتح شیخ: اعتصاب عمومی یک شکل مبارزه است که نمی توان زیاد به آن بار کرد. نمی توان با اعتصاب عمومی رژیم را سرنگون کرد و حتی نمی شود نیروهای نظامی رژیم را از شهرها بیرون کرد. اعتصاب عمومی تاکتیکی برای بالا بردن اعتماد بنفس و ابراز قدرت متحذانه مردم است. ولی اینکه اعتصاب عمومی شکلی است که بتوان همه جا آن را گسترش داد، غلط است.

اما نقطه قدرت این اعتصاب این بود که سراسری بود. از سال ۵۸ تا الان ما شاهد حرکت متحذانه و هماهنگ به این شکل در کردستان نبوده ایم. این خود نشان این است که خیزش مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی در کردستان دارد وارد فاز جدیدی می شود. فاز سازمانیافتگی، فاز سراسری بودن. نقطه ضعف این اعتصاب نقطه ضعفی در زمینه سازمانیافتگی این اعتصاب بود. درجه اتحاد و سازمان دادن مردم را در سطح محلی و سراسری باید تقویت کرد. و این کار آژیتاتورهای کمونیست در محلات و شهرها، کار احزاب چپ و رهبران

سیاسی مردم است که وجود این اشخاص چنین اعتصابی را شکل داد. فواد عبداللہی: **جدیدا "گارد آزادی" همراه با دو تن از رهبران حزب حکمتیست (عبدالله دارابی و مجید حسینی) در فاصله بین شهرهای مرویان و سنندج با مردم از نزدیک دیدار و گفت و شنود داشته اند. از اعتصاب و اعتراضات اخیر کردستان گرفته تا گامها و مراحل بعدی مبارزه در برابر جمهوری اسلامی در منطقه و تا اوضاع و نوع آرایش جدید خود رژیم بعد از سر کار آمدن احمدی نژاد. اهمیت این حضور نظامی و علنی در این دوران چیست؟**

فاتح شیخ: این حرکت و حضور رهبران کمونیست در میان مردم از چند سال پیش هم وجود داشته است اما امسال و بعد از اعتصاب عمومی در کردستان حضور این دو شخصیت محبوب و سرشناس مردمی که جزو رهبران سیاسی منطقه هستند و مردم به آنها اعتماد دارند و به قول مشهور "سر می سپارند" از اهمیت بسزایی برخوردار بود. وقتی اینگونه رهبران در میان مردم حضور پیدا می کنند و مخصوصا ایندوره، طولانی مدت در منطقه ماندند و علنا اعلام کردند و محض اطلاع شما ماموریتشان را با موفقیت به انجام رساندند، این تاثیر زیادی در مردمی دارد که احساس کنند رهبرانشان در بین آنها حضور دارند و احساس به اینکه رهبری وجود دارد که جنبش انقلابی آنها را به پیروزی برساند. جنبش سرنگونی مردم، بدون داشتن صفی گسترده از رهبران کمونیست و شناخته شده و با نفوذ، از رهبرانی مثل عبدالله دارابی و مجید حسینی که شخصا با هم در صحنه رهبری سیاسی مردم بوده ایم، این به نظر من در واقع حلقه اصلی پیشرفت جنبش سرنگونی است و از این طریق است که مردم اطمینان پیدا خواهند کرد که می توان جنبششان را به پیروزی رساند. راز موفقیت مردم در حقیقت در این است که مردم رهبری رویدادهای اخیر و جنبش شان را از میان چپ انتخاب ←

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!



ساعات پخش تلویزیون پرتو

برنامه های پرتو روزهای جمعه از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ شب به وقت تهران (۶ تا ۷ بعد از ظهر به وقت اروپای

مرکزی و ۹ تا ۱۰ صبح به وقت آمریکا غربی از شبکه کاتالک یک پخش میشود

ایرلند و اروپا:

Telstar 12
Freq: 11494.5 MHz
Polarity: Vertical
Sym Rate: 17,4687ms
FEC: 3/4

آمریکای شمالی:

Telstar 5
Freq: 12,090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20000 ms
FEC: 3/4

برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

www.hekmatist.com/parto

از این سایت ها دیدن کنید:

www.javanx.com
www.hekmatist.com
www.oktoberr.com
www.rahai-zan.com
www.iran-tribune.com
www.pasox.org

به سازمان

جوانان حکمتیست

پسوندید!

گروپ جوانان
حکمتیست

در یاهو!

[http://](http://groups.yahoo.com/javananekomonist)

groups.yahoo.com/javananekomonist

معنی پیروزی مردم بر رژیم اسلامی را توضیح داده است.

فراخوان من این است که در مقابل قطب راست جامعه چه در سطح سراسری و چه در سطح کردستان

مردم باید همچنانکه در این اعتصاب عمومی اخیر نشان دادند، باید به چه جامعه توجه کنند و متوجه این مهم باشند که اگر راست جامعه قدرت بگیرد چه حزب دموکرات آن در سطح محلی در کردستان و چه جمهوری خواه و چه سلطنت طلب و بازمانده های دو خردادی آن در سطح سراسری از همین الان می خواهند سر جمهوری اسلامی را بردارند و بقیه ماشین دولتی رژیم را بار دیگر به جان مردم بیاندازند.

اگر حزب حکمتیست را انتخاب کنند نه تنها همراه آن می توان جمهوری اسلامی را سرنگون کرد بلکه تمام دم و دستگاه های سرکوبگر رژیم را نابود خواهند کرد و چنان حمله ای به اسلام سیاسی بکنند که در منطقه به هزیمت و فرار وادارشان کند. و در

افسانه گنجی تمام شد! جمهوری اسلامی باید از گنجی تشکر کند!

خواسته بود، این بزرگترین کمکی بود که می شود به نگه داشتن جمهوری اسلامی در قدرت کرد. اما دستگیر شده های کردستان مثل گنجی خودی نیستند! برهان دیوانگر، رویا طلوعی.... و هزار نفر دیگری که در زندان هستند، حتی معلوم نیست کدامین زندانند! زنده اند یا نه؟ به شدت شکنجه می شوند یا نه؟ همین امروز یکی از آنها در اولین ملاقاتش به خانواده اش گفت که با شکنجه مجبورم کرده اند به قتل مامور نیروی انتظامی اعتراف کنم، در حالی که چنین نکرده ام. ولی کجا هستند آن آزادیخواهان که برای گنجی داشتند اعتصاب غذا می کردند، نامه می نوشتند، امضا جمع می کردند، و ندای "ما اهل کوفه نیستیم گنجی تنها بماند" را سر می دادند. بوش کجا است، چرا پیام نمی دهد، چرا به مردم ۱۶ مرداد را تبریک نگفت، چرا تیتیر سر خط اخبار هر روز رادیو فردا نمی شود؟ بی بی

این منطبقه، فراخوان شما به مردم

سرتاسر ایران چیست؟

فارج شیخ: ایران آستان یک تحول انقلابی است. این تحول انقلابی می تواند به سرنگونی رژیم اسلامی و انقلاب بی وقفه برای برپایی جامعه ای آزاد و برابر بیانجامد و می تواند بیانجامد. تا آنجایی که به اپوزیسیون ایرانی بر می گردد، دو قطب وجود دارد. یکی قطب راست که شامل سلطنت طلبان و جمهوری خواهان و در کردستان ناسیونالیسم کرد می باشد و دیگری قطب چپ که شامل مردم آزادیخواه، کمونیستها و نیروهای چپی که نمی خواهند با جمهوری اسلامی سازش کنند و نمی خواهند بعد از جمهوری اسلامی رژیم استبدادی دیگری سر کار آید. فراخوان من به مردم این است که در این گیر و دار باید رهبری چپ را انتخاب و تقویت کنند. رهبران کمونیست در حزب حکمتیست را انتخاب کنند. حزبی کی منشور سرنگونی را صادر کرده است و

→
کنند. محض اطلاع شما مسئله به هیچ وجه جنبه محلی نداشت. انعکاس این حرکت عظیم در محافل دانشجویان دانشگاه های تهران پیچیده است. الان دنیا به هم مربوط است و این اخبار به سرعت جای خود را در میان مردم پیدا می کند. در نتیجه رهبران کمونیست با این کار می خواهند توجه مردم را به این جلب کنند که می توان متحد و روشن بین بود. می توان از نزدیک و رو در رو ثابت کرد که رهبران واقعی مردم کیانند و چگونه جامعه باید در جدال بین قطب راست و چپ جامعه، خود را با قطب چپ تداعی کنند و طرح های دست راستی را نقش بر آب کنند. که انتخاب چپ، ضامن پیروزی نهایی جنبش سرنگونی مردم در انقلاب آتی ایران است.

نواد عبداللهی: به عنوان آخرین سوال، با توجه به این رویدادها اخیر در کردستان و بازگشت رهبران کمونیست به میان مردم



عباس رضایی

با گنجی، مردم را از اعتراض به احمدی نژاد و از دخالت مردم ایران در اوضاع کردستان، بر حذر داشتند. خبر پایان اعتصاب غذای گنجی را همه شنیدند، خوشحالم که ایشان اعتصاب غذای خود را شکستند! با اینکه می دانستم گنجی برای جمهوری اسلامی خودی و آخر بازیش معلوم است.

جنبش دو خرداد چه در داخل و چه در خارج از حکومت شکست خورد، گنجی که بار شکست کنفرانس برلین را حمل می کرد، تن به شکست دیگری داد. اگر چند سال پیش چپ و کمونیسم در برلین و در خارج کشور شکستش داد، همه بر این گمان بودند که این جنبش تنها در خارج کشور وجود دارد و کسانی مثل گنجی در داخل کشور قهرمانند. اما وقایع دو



www.javananekomonist.com